



دانشگاه فرهنگیان  
مرکز امام خمینی کاشان



گاهنامه اجتماعی،  
پژوهشی، ادبی تابش  
شماره پنجم  
تابستان ۱۴۰۲



لکنت زبان در  
دانش آموزان



هوش اخلاقی



کودک و بازی





# نشریه تابش شماره پنجم تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز ..... انجمن علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

مرکز امام خمینی کاشان

مدیر مسئول و سردبیر ..... زهرا فخارزاده

ناظر کیفی ..... نیما فرهنگیان

ویراستاران ..... رویا فریدونی، فاطمه ابن علی

طراح و صفحه‌آرا ..... مهدی اکبری

کارشناس مشاور مذهبی ..... نفیسه میرعسکری

تیم مصاحبه ..... نیما فرهنگیان، زهرا فخارزاده

سرپرست گویندگان ..... سحر صیادی

گویندگان ..... رقیه کریمی، بهاره سلمانی، الهه حضرتی

روابط عمومی ..... رقیه کریمی، زهرا هاشمی نژاد

هیئت تحریریه

کارگروه تخصصی ..... فاطمه طاهری بخش، صبا زاداحمدی، مسعود

آموزش ابتدایی ..... هاشمی، رویا فریدونی

کارگروه تخصصی ..... معصومه حیدری، فاطمه رضوانی، زهرا

کودکان با نیاز ویژه ..... سهیلی، زهرا هاشمی نژاد

کارگروه تخصصی ..... رویا فریدونی، زهرا سورانی، فریبا

زبان و ادبیات فارسی ..... سروری عموقین

کارگروه تخصصی پژوهش ..... فاطمه الماسی

۵۰۴۰۰/۱۲۰۶/۲۱۰

tabesh\_mag

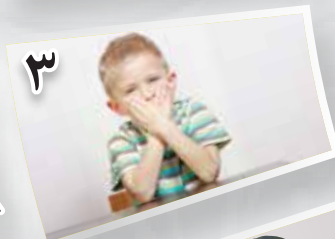
۱  
بازرسی‌های دینی



۲  
اعتماد به نفس



۳  
لگنت زنگان در دانش آوزان



۴  
سند تحول



۵  
هوش اخلاقی



۶  
نویسنده آبی سلطان جاده‌ها



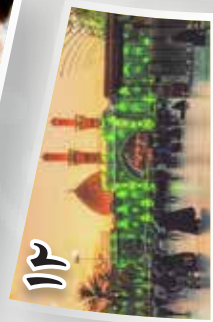
۷  
نخستین معلم از کتابرها



۸  
کودک و بازی



۹  
به نام آب







# بیانات رهبر انقلاب

دانشگاه علاوه بر وظیفه‌ای که نسبت به درون خود دارد، یک وظیفه ای هم درباره‌ی جامعه دارد. وظیفه‌ی درونی، همین تولید علم، پیشرفت علمی، تربیت علمی است؛ وظیفه‌ی بیرونی، اثرگذاری در مجموع جامعه است. دانشگاه نمی‌تواند از مسائل جامعه منفک و منزوی باشد. این یک نکته‌ی بسیار مهمی است که بنده به اساتید محترم، برادران و خواهران عرض می‌کنم: سعی کنید دانشگاه را درگیر مسائل اجتماعی کنید؛ ۰۸/۰۳/۱۳۹۸

بیانات در دیدار جمعی از استادان،  
نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها

## سخن مدیرمسئول

امام حسین (علیه السلام) فرمودند:  
«دِرَاسَةُ الْعِلْمِ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ وَ طَوْلُ التَّجَارِبِ زِيَادَةُ فِي الْعَقْلِ»  
«بحث و بررسی علم، موجب باروری معرفت و تجربه‌های طولانی مایه‌ی افزایش عقل است.»  
(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸)  
آموزش و پرورش ما نیازمند معلمان و دانش‌جومعلمانی کوشا و دغدغه‌مند است که مشکلات جامعه، مسائل تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان برایشان دارای اهمیت زیادی باشد. گروه تابش، متشکل از جمعی دغدغه‌مندان فرهنگی سراسر کشور که گرد هم آمدیم و با همفکری و مشارکت گامی در جهت هرچه بهتر معلم شدن برداریم، امید است با عنایت خدا و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مقصود و هدف غایی رسیده باشیم.  
شماره پنجم نشریه پس از گذشت چهار شماره که مصادف بود با چهار فصل زیبای طبیعت و مقارن با ایام شهادت سرور و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین منتشر گردید تا پذیرایی نگاه زیبای شما فرهیختگان باشد. امید است با ایجاد تحولات جدید شاهد نشریه‌ای پربارتر از قبل باشیم.  
در آخر نیز تقدیر و تشکر می‌کنم از تمامی همکارانی که دلسوزانه در کنار ما بودند برای ساختن تابشی به درخشش خورشید...

زهرا فخارزاده

مدیر مسئول و سردبیر نشریه اجتماعی پژوهشی تابش

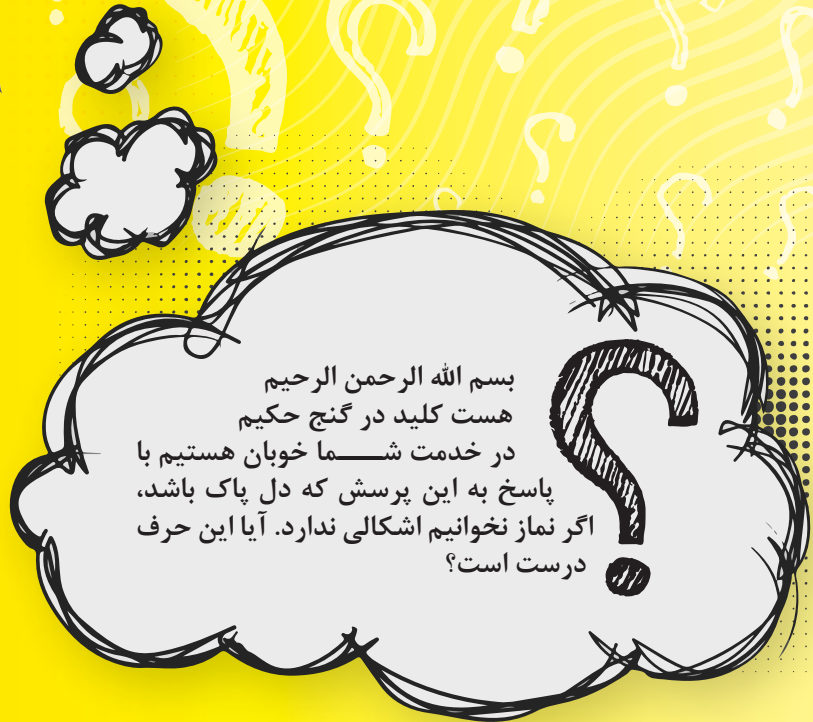


دینی

# پاسخگویی به شبهات

برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

نفیسه میرعسکری



بسم الله الرحمن الرحيم  
هست کلید در گنج حکیم  
در خدمت شما خوبان هستیم با  
پاسخ به این پرسش که دل پاک باشد،  
اگر نماز نخوانیم اشکالی ندارد. آیا این حرف  
درست است؟

نماز هم مانند نهی است که خدا دستور داده روزانه پنج مرتبه آن را به جا آوریم تا روحمان پاک باشد.»  
خدا در آیه ۱۴ سوره مبارکه هود فرموده است: «من نماز را قرار داده‌ام برای این که روح شما پاک باشد. نماز برای کسانی است که می‌خواهند پاک باشند و پاک بمانند.»  
با امید آن که از نمازگزاران واقعی در پیشگاه خداوند متعال باشیم شما را به ایزد منان می‌سپارم.

دل هم مانند جسم آلوده می‌شود. مهم ترین آلودگی و پلیدی دل، تکبر است. همان طور که شیطان تکبر ورزید و مقابل پروردگار ایستاده گفت: «با آن که دستور داده‌ای بر آدم سجده کنم اما دلم نمی‌خواهد».

کسی که تکالیف الهی را پیروی نمی‌کند، به مرور روحش کثیف و آلوده می‌شود، هرچند بر لبانش لبخند باشد و به زبان بگوید دلم پاک است. پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی (ص) فرموده اند: «اگر نهی مقابل خانه‌هایتان باشد و روزی پنج مرتبه خودتان را در آن شستشو دهید، بدن پاک و تمیز می‌شود.

فرض کنید معلمی ۱۷ بار به دانش آموزانش بگوید تکالیفتان را بنویسید. دانش آموزی که تکلیف ننوشته است به معلمش بگوید: «معلم عزیز دوستت دارم! سخت نگیر دل پاک باشد». معلم هم آخر سال تحصیلی صفر قشنگی در کارنامه این دانش‌آموز ثبت می‌نماید و می‌گوید شاگرد عزیز، این نمره مهم نیست، اصل این است که دلت پاک باشد. آیا این سخن مورد تأیید قرار می‌گیرد؟ کسی که با این استدلال نماز نمی‌خواند این رفتار نشان‌دهنده آن است که با وجود آن که خداوند متعال پنج مرتبه در قرآن امر فرموده «اقم الصلوه» یعنی نماز بخوان و ۱۲ مرتبه دستور داده اقموا الصلوه یعنی نماز بخوانید، ۱۷ مرتبه تأکید می‌کند که خدا بر امر نماز دارد، نعوذ بالله هیچ و پوچ است؛ یعنی مهم نیست، اصل آن است که دلمان پاک باشد. آیا این توهین به خداوند باری تعالی نیست؟







# اعتماد به کس؟



برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

صبا زاداحمدی

من بگم؟! معلم گفت: امروز درباره خودتان صحبت کنید و من و دوستانتان گوش می‌کنیم. در کنار معلم نظاره‌گر فضای کلاس بودم. بعد از شنیدن حرف معلم، تعدادی از دانش‌آموزان در خود فرو رفتند و تعدادی دیگر شادمان شدند. این کلاس پایه‌ی ششم بود. دوران دانش‌آموزی خود را به خاطر آوردم. جزء آن دسته از دانش‌آموزانی بودم که از صحبت در کلاس وحشت می‌کردم و برای یکبار هم که شده، معلمی متوجه مشکل من نشد و یا این که متوجه شد و از آن گذر کرد. به‌راستی این مسئله چه راه حلی دارد؟ معلم‌ها تا چه اندازه به مسئله‌ی کم‌رویی و کمبود اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز خود اهمیت می‌دهند؟

دانش‌آموزان علاقمند، در بحث شرکت کردند و دسته‌ی دیگر به صحبت دوستانشان گوش کردند. اگر بخواهیم علت این موضوع را بررسی کنیم، وارد حیطه‌ی گسترده‌ای می‌شویم. هر دانش‌آموز دنیای خاص خود را دارد؛ اما با رهبری درست معلم می‌توان اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را افزایش داد. در میان صحبت آنان اگر به موضوع خاصی اشاره می‌شد، دانش‌آموزان شروع به خندیدن و یا نشان دادن واکنش‌های عجیب می‌کردند که بر روی دانش‌آموز سخنور، تأثیر می‌گذاشت. در قدم اول این مهم است که وقتی معلم به دانش‌آموزان اجازه‌ی صحبت درباره موضوع‌های متفرقه می‌دهد، خود نیز بتواند جریان صحبت را مدیریت کند؛ مبدا انجام صحبت‌ها، باعث کاهش عزت نفس در دانش‌آموزان شود. کودکان

باید احترام به صحبت‌های یک‌دیگر را بیاموزند و بدانند در قبال صحبت افراد، خنده و تمسخر جایی ندارد. اگر این امر اتفاق نیفتد، انسان‌هایی وارد دانشگاه و جامعه‌ی بزرگ‌تر می‌شوند که مایه‌ی آزار دیگران هستند.

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی یک معلم، یاد دادن احترام است. وقتی دانش‌آموزان به یک‌دیگر احترام بگذارند، عزت نفس یک‌دیگر را تقویت می‌کنند. معلم باید دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی را نیز وارد بحث‌های کلاس کند و وقتی از سوی معلم و دوستان خود، احترام و عشق دریافت کنند، همیشه در بحث‌های کلاس علاقمند می‌شوند شرکت کنند. نباید بی‌تفاوت از کنار دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی عبور کنیم. دانش‌آموزان از دوره‌ی ابتدایی و چه بسا در مهدکودک و

پیش‌دبستانی در کنار هم و با خلق و خویهای متفاوت از یک‌دیگر رشد می‌کنند و به یادگیری می‌پردازند. حال می‌توانیم با اطمینان بگوییم صحبت در کلاس و احترام به یک‌دیگر، زمینه‌ی رشد اعتمادبه‌نفس را فراهم می‌آورد. پس ما به عنوان یک معلم بهتر است احترام را در کلاس پایدار کنیم. سخنان را بشنویم و قضاوت نکنیم. ما الگوی دانش‌آموزان هستیم، آنان از ما می‌آموزند. همه‌ی دانش‌آموزان را در بحث

های کلاس مشارکت دهیم. دانش‌آموز ساعات زیادی را در کنار ما می‌گذرانند. کلاس درس محل رشد و پرورش اوست.

اگر دانش‌آموز به علت مشکل خاصی نظیر کم‌رویی، سابقه ترس و... از صحبت دوری می‌کرد آن را بررسی کنیم تا اگر در توانمان بود آن را درمان کنیم. با رعایت این امور، به مرور زمان دانش‌آموزان به حد مطلوبی از اعتمادبه‌نفس دست پیدا می‌کنند. به

عنوان ناخدای کشتی باید

مسیر کشتی را به خوبی

هدایت کنیم. مبدا با

بی توجهی در

شناختن مسیر رشد

و مقصد ترقی آن

ها غفلت بورزیم.







برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

# لکنت زبان در دانش آموزان

فاطمه رضوانی

بیشتر از پسران است، نسبت پسر به دختر در بزرگسالی ۴ به ۱ می‌شود. اگر لکنت زبان درمان نشود تا سن مدرسه و حتی بزرگسالی هم ادامه پیدا می‌کند. غالباً دانش‌آموزان دارای لکنت زبان در کلاس، افراد منزوی و خجالتی بوده و از برقراری ارتباط کلامی اجتناب می‌کنند، هنگام پاسخ دادن شفاهی به سؤالات دچار اضطراب شده و در درس شفاهی نمرات ضعیفی می‌گیرند در حالی که در درس کتبی نمرات بالایی کسب می‌کنند.

این افراد از بازی‌های گروهی به علت نقص در گفتار روان پرهیز می‌کنند، در فعالیت‌هایی که نیازمند گفتار و کلام است شرکت نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند بیشتر زمان‌ها در تنهایی به سر ببرند. از تلفن زدن یا پاسخ به تماس تلفنی دوری می‌کنند چون دچار لکنت شدیدتری می‌شوند. از خرید کردن می‌ترسند چون هنگام صحبت کردن دچار لکنت زبان می‌شوند. دانش‌آموزان دارای لکنت چون در مدرسه و اجتماع

اختلالات گفتاری بیشتر است اما همچنان علت مشخصی برای آن یافت نشده‌است. گفتار فرآیند ساده‌ای نیست؛ نیازمند حرکات هماهنگ، سریع و ظریف اندام‌های گویایی نظیر زبان، لب‌ها، فک، حنجره و تارهای صوتی و دندان است. علاوه‌براین، زمان‌بندی دقیق عضلات برای تنفس و تولید صوت جهت گفتار ضروری است. عوامل زیادی می‌توانند این فرآیند را مختل نمایند. لکنت زبان که به‌عنوان تکرار یا کشیدن غیرارادی صداها یا هجاها شناخته می‌شود، یکی از آن‌هاست.

اکثر کودکان در سن ۲ تا ۵ سالگی که دامنه واژگانی لغات آن‌ها به سرعت در حال گسترش است، ممکن است نوعی اختلال در گفتار را تجربه کنند. این اختلال هنگامی اتفاق می‌افتد که کودک در کنار هم قرار دادن صداها به‌منظور تولید کلمات دچار مشکل می‌شود. نسبت لکنت در کودکی و هنگام شروع در پسران ۲ برابر دختران است اما به دلیل این که درصد بهبودی دختران

مهم‌ترین راه ارتباطی انسان با سایر افراد و جامعه گفتار است؛ در واقع انسان از طریق صحبت کردن می‌تواند خواسته‌ها، احساسات و باورهای خود را بیان کند و با دیگران رابطه برقرار نماید اما برقراری ارتباط کلامی نیازمند گفتاری طبیعی و سالم است. گفتار طبیعی به گفتاری اطلاق می‌شود که علاوه‌بر آن که حروف و کلمات، صحیح بیان می‌شود، جریان گفتار به‌صورت کاملاً روان و بدون گیر و تکرار غیرطبیعی به وقوع بپیوندد. روان بودن گفتار یکی از ویژگی‌های گفتار طبیعی است. هرگونه اختلال در تداوم، سرعت تولید، برنامه‌ریزی، ریتم گفتاری و یا ترکیبی از این عوامل، باعث ایجاد پدیده‌ای به نام ناروانی یا لکنت خواهد شد. در واقع یکی از مهم‌ترین اختلالات گفتاری، لکنت زبان است که در فرد باقی می‌ماند و مزمن می‌شود. لکنت زبان یک اختلال چند بعدی است؛ علی‌رغم این که شناخت عمومی این اختلال نسبت به سایر



نکته مهم و قابل توجه آن است که والدین به محض بروز اولین علائم لکنت در کودکان مانند تکرار صداها یا کلمات و یا گیر در شروع بیان جملات، بدون اضطراب و سردرگمی در خود و فرزندشان به متخصص مربوطه مراجعه کنند و از درمان‌های غیرعلمی مانند دادن تخم کبوتر و... اجتناب نمایند و با حفظ آرامش و مشاوره گرفتن از یک گفتار درمانگر هرچه سریع‌تر گامی در جهت رفع لکنت بردارند. امروزه با پیشرفت علم توان‌بخشی و گفتاردرمانی، روش‌های درمانی مؤثری برای لکنت زبان فراهم شده است؛ پس لکنت زبان یک اختلال قابل درمان در کودکان و بزرگسالان است و به جای ترس و فرار از لکنت، آن را بعنوان یک موضوع قابل حل بپذیریم و بدانیم هرگز برای درمان دیر نیست.

فاطمه رضوانی جوقنانی - کارشناس ارشد گفتاردرمانی

#### منابع

۱. اسلامی، امین. و همکاران، لکنت زبان علل ناشناخته، در جستجوی درمان، فصلنامه علوم مغز و اعصاب ایران، سال ۱۳۸۸
۲. صفری هفشجانی، زهره. خرمشاهی، حسن. مروری بر درمان‌های مؤثر بر لکنت دوران بزرگسالی. مجله علمی پزشکی جندی شاپور، سال ۱۳۹۸
۳. Packman, A., & Attanasio, J.S. (۲۰۰۴). Theoretical Issues in Stuttering (1st Ed). Psychology Press

افزایش بلندی صدا در طول کشیدن آن‌ها؛ تنش و تقلا در هنگام بیان کلمات خاص؛ خودداری یا تأخیر در بیان کلمات خاص؛ توقف ناگهانی اندام‌های گویایی در تولید صداها یا گفتاری.

### درمان لکنت

لکنت اغلب با نتایج منفی در طول دوره‌ی زندگی مرتبط است. کودکان دارای لکنت مورد آزار و اذیت و تمسخر قرار می‌گیرند و ممکن است واکنش‌های منفی از جانب هم سن و سالانشان تجربه کنند. این مشکلات در نوجوانی بزرگ‌تر می‌شوند و تأثیرات منفی بر اعتمادبه‌نفس، سطوح اضطراب، تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی خواهند گذاشت. کودکان، نوجوانان و بزرگسالان دارای لکنت، اغلب واکنش‌های شنوندگان و کلیشه‌هایی منفی را تجربه می‌کنند و در بسیاری از آن‌ها نگرش‌های منفی نسبت به صحبت کردن ایجاد می‌شود و اجتناب، تلاش و تقلا یا اضطراب را در موقعیت‌های گفتاری تجربه می‌کنند. در نتیجه بزرگسالان دارای لکنت ممکن است در معرض خطر بیشتری برای رشد مشکلات روانشناختی، هیجانی و رفتاری باشند. لکنت به دو دسته‌ی اصلی اکتسابی و رشدی طبقه‌بندی می‌شود. درمان لکنت رشدی در سه فاز زمانی پیش دبستانی، سن مدرسه و بزرگسالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای درمان لکنت باید به متخصص آسیب‌شناس گفتار و زبان یا گفتاردرمانگر مراجعه کرد که گفتاردرمانگر بعد از ارزیابی و بررسی دقیق لکنت، بهترین روش درمانی را انتخاب کرده و طی جلسات منظم درمانی به کاهش و بهبود لکنت کمک می‌کند.

تجربه‌های ناخوشایندی از گفتار بدست می‌آورند: کم‌کم به افراد خجالتی، کم حرف، مضطرب و با اعتمادبه‌نفس پایین تبدیل می‌شوند و علی‌رغم این که در برخی زمینه‌ها توانمند هستند ولی به‌دلیل این که در برقراری ارتباط کلامی دچار شکست‌های متناوب می‌شوند، به تدریج از جامعه فاصله می‌گیرند.

لکنت زبان به‌عنوان تکرار یا کشیدن غیرارادی صداها یا هجاها که همواره در آغاز کلمه است و یا انسداد و توقف ناگهانی اندام‌های گویایی شناخته می‌شود (مثلاً کودک دارای لکنت زبان برای گفتن ماشین این گونه بیان می‌کند: م-م-م ماشین). این تکرار و کشیدن کلمات اغلب همراه با رفتارهای جانبی است که وقوع مکرر آن لکنت زبان نامیده می‌شود. در کنار سایر اختلال‌های گفتار، لکنت همواره دارای علائم و نشانه‌های زیر است:

تکرار متناوب صداها، هجاها، آواها، کلمات و عبارات؛  
تکرار هجاها به نحوی که صدای "اوه" جایگزین صدای صحیح در کلمه می‌شود (په-په پلو) به جای (پ-پ-پلو)؛  
کشیدن مکرر صداها طولانی‌تر از حد طبیعی؛  
لرزش عضلات اطراف دهان و فک در طول صحبت؛





# سند تحول!

گفت و گوی ویژه جناب آقای دکتر مددی با نشریه تابش

«بایستی همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از جمله معلمان با برنامه درسی ملی آشنایی لازم را داشته باشند تا از روند و چگونگی تولید محتوا و از طریق برنامه درس ملی اشراف لازم را پیدا بکنند. از آنجایی که معلمان مجری برنامه درسی ملی هستند بنابراین شناخت معلمان از برنامه درسی ملی در جهت اجرای برنامه ذکر شده بسیار مؤثر است. ما همواره سه نوع برنامه‌ی درسی داریم: برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده و برنامه درسی کسب شده؛ این سه با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. برنامه‌ی درسی ملی که نقشه راه یادگیری است، دارای بخش‌های مختلفی است که یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه درسی ملی، بحث الگوی هدف‌گذاری در تولید محتواست و همچنین در بخش‌هایی از این سند در خصوص فلسفه آموزش دروس و چرایی و ضرورت و قلمرو اهمیت دروس توضیحات فشرده‌ای دارد که در قالب حوزه‌های یازده گانه تربیت و یادگیری از آن یاد شده‌است». دکتر مددی همچنین خاطر نشان کرد: «حوزه‌های یازده‌گانه تربیت و یادگیری به معلمان کمک می‌کند با کلیات و فلسفه دروس آشنا شوند؛ یعنی اگر کسی حوزه تربیت و یادگیری علوم را بخواند متوجه می‌شود که فلسفه‌ی درس علوم چیست؟ چرایی درس علوم چیست؟ و با کارکرد درس علوم آشنا می‌شود و منظور آموزش و پرورش از آموزش درس علوم چه بوده‌است و از طریق آموزش علوم قرار است ما به چه اهداف تربیتی برسیم. ما اگر از طریق علوم، فارسی، ریاضی و همه‌ی این دروس نتوانیم تربیت کنیم پس تربیت از چه طریقی میسر خواهد شد؟ این دروس محتوای تربیت هستند و معلم بایست با فلسفه‌ی آموزش این دروس آشنایی لازم را داشته‌باشد. اگر این امر برای معلمان محقق شود به راحتی می‌توانند فلسفه‌ی کتابی که در آن پایه درس می‌دهند را هم متوجه شوند، به هدف‌های تربیتی کتاب مورد نظر پی ببرند».



## فاطمه الماسی

است که در آن چهارچوب تولید محتوا و نقشه راه یادگیری به‌صورت جامع و کامل آورده شده‌است که شامل مبانی و اصول و چگونگی تولید محتوایی است که برای ۱۲ سال دانش‌آموزان بایستی از آن بهره گرفت؛ در برنامه‌ی درسی آورده شده‌است. برنامه‌ی درسی از زیر نظام‌های مهم سند تحول است و به فاصله کوتاه بعد از تصویب سند تحول، برنامه درسی ملی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است که مبنای کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برنامه درسی ملی است». دکتر مددی به معلمان مجری طرح نیز توصیه‌هایی داشتند:

دکتر رضا مددی مشاور سابق وزیر آموزش و پرورش، دبیر سند تحول بنیادین و استاد دانشگاه فرهنگیان، پیرامون سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نکات ارزشمندی را بیان کردند. دکتر مددی درباره‌ی سند تحول و برنامه ی درسی معتقداند: «ما در آموزش و پرورش برای تربیت دانش‌آموزان از امکانات مختلفی استفاده می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین امکانات که در اختیار ماست، محتوای آموزشی است که در حقیقت همان برنامه درسی است. برنامه‌ی درسی نقشه راه یادگیری در تعلیم و تربیت است و یکی از اسناد تحولی مهم آموزش و پرورش نیز همان برنامه درسی

«بروئر» به عنوان پدر علم روانکاوی احساس مسئولیت را بیانگر نوعی نگرش و مهارت می‌داند که مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگر آموختنی و اکتسابی است. «ویلیام گلاس» نیز مسئولیت را با سلامت روانی ارتباط می‌دهد و معتقد است که هرچقدر افراد مسئولیت بیشتری داشته باشند از لحاظ روانی سالم‌تر هستند و بالعکس.

۳. بخشش: در مورد چگونگی تعریف مفهوم بخشش، بحث‌ها و تعاریف متعددی وجود دارد و بسیاری پژوهشگران معتقدند که بخشش را باید به عنوان یک ساختار چندبعدی حاوی عاطفه، رفتار و شناخت مفهوم‌سازی کرد و بر اهمیت اهداف و شیوه های بخشش (مانند ابراز احساس و جستجو) تأکید کرد.

به طور کلی بخشیدن، آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباهات دیگران است. بخشودن یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است، هرچند انتقام گرفتن پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است اما بخشش شاهراه سلامت روانی و یکی از حیطه‌های مهم هوش اخلاقی است.

دلسوزی: دلسوزی توجه به دیگران است و دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما هم‌دردی و مهربانی می‌کنند. دلسوزی پایه‌ای برای توان احساس آنچه دیگران احساس می‌کنند و ایجاد مبنایی پایدار برای عمل دسته جمعی است.

بنابراین تقویت مؤلفه‌های هوش اخلاقی می‌تواند اثرات قابل توجهی بر روابط میان انسان‌ها داشته باشد. با اندک تأملی قطعاً به این نتیجه خواهیم رسید که رابطه اخلاق با زندگی انسان تا چه حد تنگاتنگ است و نیز همچنین تعیین‌کننده نحوه عمل افراد در بسیاری از موقعیت‌های خانوادگی و اجتماعی است.

#### منابع:

گل محمدیان، محسن و همکاران. هوش اخلاقی، ماهیت و ضرورت آن، فصلنامه اخلاق پزشکی دوره ۱۶، شماره ۴۷، سال ۱۴۰۱  
میکله، بوربا. پرورش هوش اخلاقی، مترجم فیروزه کاوسی، انتشارات رشد، چاپ سوم، ۱۳۹۴



# هوش اخلاقی

قسمت دوم

در شماره سوم نشریه (زمستان ۱۴۰۱) با قسمت اول هوش اخلاقی در خدمت شما بزرگواران بودیم که برای بیان مطالب جدید به طور اجمال مروری بر نکات مهم در قسمت اول خواهیم داشت.



برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

#### مسعود هاشمی هومانی

#### مؤلفه‌های هوش اخلاقی

۱. درستکاری: درستکاری را ایجاد هماهنگی بین آنچه به آن باور داریم و آنچه به آن عمل می‌کنیم، معنا می‌کنند؛ به عبارت دیگر، انجام آنچه می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. در واقع کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه های که با اصول و عقایدش سازگار باشد عمل می‌کند.

۲. مسئولیت‌پذیری: کسی که سطح هوش اخلاقی متوسط و بالایی دارد، مسئولیت اعمال و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد.

هوش اخلاقی از تأثیرگذارترین مسائل در موفقیت و تقویت توانایی‌های اخلاقی، ارزشی و فردی هر شخص در طول زندگی است و به این نکته اشاره دارد که اصول‌های اخلاقی حاصل وراثت نیستند؛ بلکه افراد یاد می‌گیرند چگونه اعمال هوشمندانه و بهینه داشته باشند. این مؤلفه مهم برای اولین بار توسط پژوهشگری به نام «میشل بوربا» روان‌شناس آمریکایی مطرح و وارد حیطه روان‌شناسی شد. این مؤلفه دارای چهار بعد اصلی:

۱. درستکاری ۲. مسئولیت‌پذیری ۳. بخشش ۴. دلسوزی است که در این شماره به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.



# نیسان آبی سلطان

## قسمت پایانی

# جاده‌ها



برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

### زهره سورانی

شدت توسط بچه‌ها مقبول و پذیرفته شده است؛ به دلیل واکنش‌های منفی ابوالفضل در تدریس مستقیم، تصمیم گرفتم تدریس رو هم کاملاً در قالب بازی و داستان پیش ببرم. این اتفاق برای بقیه دانش‌آموزان هم خوش‌آیند بود؛ این‌که در سطح دانش‌شون، قبل و بعد از بازی تفاوتی احساس می‌کردند، عزت نفس‌شون رو تقویت می‌کرد. علاوه‌بر این‌که با این روش امکان انتقال نکات تربیتی خارج از محتوای کتاب، آسون‌تر هست، مواردی نظیر نحوه برقراری ارتباط، تعریف احترام، حریم شخصی، کنترل هیجانات و... بالاخره روند فعالیت پایه اول و دوم پسران پایگاه رشد ما به صورتی شده بود که پسران ذوق کلاس، نیم ساعت قبل از شروع کلاس وارد مدرسه می‌شدند و منتظر می‌ماندند تا قفل در کلاس گرم ما باز بشه و بازی و یادگیری رو شروع کنن. این شرایط باعث شده بود اعتماد

به تبعش هم‌کلاسی‌ها، اون رو از درس خوندن زده کرده. اوایل در این فکر بودم که ابوالفضل از درس کاملاً متنفر شده! اما نکته جالب اینجاست که وقتی توی یکی از جلسات مسابقه «کلمه درست رو پیدا کن» رو روی تابلو انجام دادیم، متوجه شدم ابوالفضل در حال لچ کردن با علل و عواملی هست که اون رو تحقیر کردن؛ در واقع هوش فوق‌العاده اون در درک و دریافت مطالب منجر به بروز یادگیری در محیط نمی‌شد و اون مانع از این موضوع می‌شد که دیگران متوجه بشن درس رو متوجه شده..

بهترین راهکاری که با مشورت گرفتن از مشاور بهش رسیده بودم این بود که بدون ارزشیابی مستقیم، سعی کنیم ابوالفضل رو وارد وادی پاسخ‌گویی به مسائل بکنیم. بازی یکی از پررنگ‌ترین پیشنهادات من بود که به

چند جلسه‌ای از آشنایی‌ام با ابوالفضل گذشته بود؛ توی این مدت با توجه به صحبت‌های مادرش و اشاره‌های کلامی که خودش داشت، متوجه مسائلی درباره زندگی و مشکلاتش شده بودم. با لحن صحبت ابوالفضل و مادرش و اطلاعات مختصری که به دست آورده بودم گاهی شک می‌کردم که مریمی که ابوالفضل معتقد به چشم‌مای من شبیه اونه، هم‌کلاسی دوران ابتداییم باشه. اما خب همیشه در حد همین حدس باقی موند، چراکه فهمیدم مریم از خانوادش دوره و مشکل زمانی تشدید شده که ابوالفضل کتک خوردن خواهرش، توسط همسر رو به چشم دیده و بعد از اون مدت‌ها از اون بی‌خبره... دقیقاً در بازه‌ای از زمان که توجه به درس ریاضی در اولویت کارهاش بوده این اتفاق می‌افته و حواس‌پرتی‌های این پسر و در پی اون تحقیر کردن‌های معلم و مدیر و



ساعت یک ظهر بود و من تنها توی کلاس نشسته بودم. دفترم رو ورق می‌زدم و روزها رو مرور می‌کردم؛ از روزی که ابوالفضل پاهاش رو روی زمین می‌کشید که مدرسه نیاد تا امروزی که پا بر زمین می‌کوبید تا از مدرسه نره.

جمله‌ای که گفته بود از ذهنم خارج نمی‌شد و با خودم تکرار می‌کردم: «منم همین‌طور؛ منم دوست دارم.»  
دفتر رو بستم و بلند شدم، کاغذی از لابه‌لای آن افتاد، برداشتم و نگاهش کردم، لبخند از لبم پاک نمی‌شد؛ با خطی که بعد از چند ماه ازش استفاده کرده بود برام نوشته بود: «نیسان آبی، سلطون جاده‌ها!»

آرنجش رو زیر چانه حائل کرده بود. باز هم لباس اسپرت و البته گرمی پوشیده بود که باعث شده بود دونه‌های درشت عرق کنار گردنش خودنمایی کنه. قول داده بود بهمنشون بده واقعا این مدتی که کلاس

ابوالفضل نسبت به من زیاد بشه و خواسته‌هایی که ازش داشتم رو به انجام برسونه. در این بین موضوعی بود که ذهنم رو به شدت درگیر خودش کرده بود! تعاریف زیاد و پر از هیجان ابوالفضل از سریالی به اسم نیسان آبی و علاقه روز افزونش به یک نیسان آبی اسباب بازی و البته در کنار اون، قول مادرش که در صورت قبولی در امتحانات، یک نیسان آبی زیبا برای ابوالفضل هدیه بگیرن. قطعاً توجه خانواده در میل فرزندشون به این سریال بی تأثیر نبوده، اما این سؤال برام پیش اومد



که واقعاً اگر ما

به اندازه لازم و کافی و با

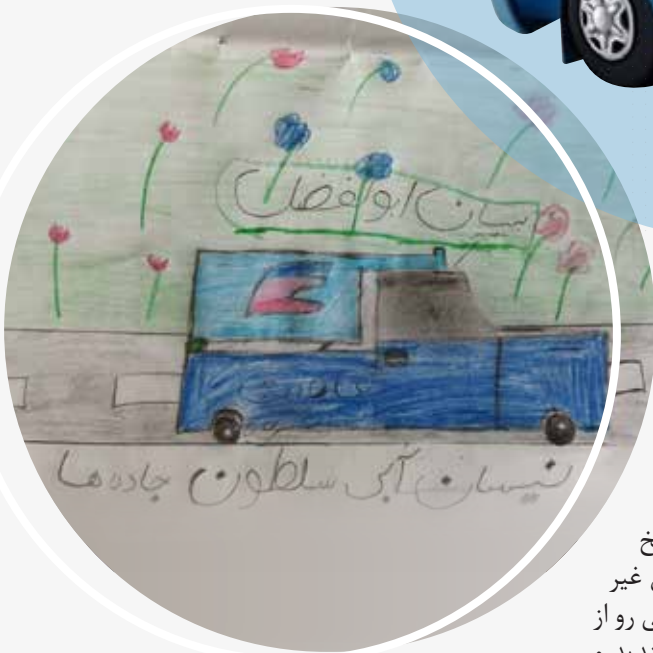
توجه به نیاز کودکانمون محتوای رسانه‌ای قوی تولید کنیم، آیا باز هم بخش بزرگی از تقلیدها و یادگیری‌ها برگرفته از برنامه‌های بزرگسالان برای کودکان هست؟ آیا اگر کودک محتوای جذاب و مناسب سن خودش رو در اختیار داشته باشه دیگه این همه عاشق کلیشه‌ها و مضامین به کار رفته شده در یک سریال بزرگسال میشه؟ که البته مجال توضیح نتایج این تحقیق اینجا نیست...

بالاخره روز موعود فرا رسید؛ ابوالفضل قانع شده بود به سؤالات من پاسخ بده! طی این مدت بدبینی که نسبت به محیط داشت کم شده بود؛ پرخاشگری‌هاش محدودتر شده بود و خودش رو با شرایط وفق میداد! مسئولیت‌پذیر بود و پذیرفته بود لازمه برای موفقیت گاهی هم مداد دست بگیره و مسائل رو توی کتاب و دفتر حل کنه! با این حال نه به اندازه قبل اما کمی نسبت به مدیری که تهدید به اخراجش کرده بود موضع‌گیری می‌کرد! هوا به شدت گرم بود و کولر کلاس ما هم خراب، من بودم و ابوالفضل و میلیاردها غبار گچ که در نور می‌رقصیدند؛ روبه‌روم نشسته بود و هر دو

اومده از کتاب هم چیزی یاد گرفته یا نه؟ با کتاب ریاضی شروع کردیم.

فصل اول تا هشتم ریاضی پایه دوم ابتدایی، سؤالات کلی و مفهومی، بدون حتی یک غلط البته با تامل و درنگ توسط ابوالفضل پاسخ داده شد. سعی می‌کردم واکنش غیر عادی نشون ندم اما انگار خوشحالی رو از چشم‌هام خونده بود که با ذوق خندید و گفت: «اندازه نیسان آبی دوست دارم.» شاید ابراز احساسات در این حد جلوی دانش آموزان کار درستی نباشه اما اعتراف می‌کنم که اون روز اشک شوق توی چشم‌هام درخشید و ابوالفضل نه تنها کتاب ریاضی، که به سؤالات من از کتاب فارسی هم پاسخ داد و من نفرتی که از نوشتن کلمات در روزهای اول می‌دیدم، الان کمرنگ‌تر از هر وقتی به چشمم می‌اومد. حالا فقط من گچی نبودم! سر تا پای ابوالفضل هم گچی شده بود و موهای همیشه حالت‌دارش هاله‌ای از

زرد و صورتی بدرنگ به خودش گرفته بود. یکی یکی سؤالات رو می‌نوشتیم و حل می‌کردیم و جایی که نیازی به تخته نبود هنجارشکنی کرده و روی نیمکت‌ها چهارزانو می‌زدیم. ساعت ۱۲ شده بود و توی کل مدرسه من بودم و ابوالفضل و فرد ثالثی که از اول ماجرا بنا بر قرارداد پشت پنجره نشسته بود! حالا وقتش بود که مدیر مدرسه وارد کلاس بشه و سوءتفاهم‌ها رفع بشه و ابوالفضل با شروع مهر، وارد پایه سوم بشه.







# نخبه‌ای از تبار معلمان...

برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

زهرا فخارزاده، نیما فرهنگیان

لطفا خودتان را معرفی کنید.

«الْسَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»  
«نیما فرهنگیان هستم و در حال حاضر مدیر آموزش‌گار دبستان مختلط چندپایه حضرت معصومه (س) در شهرستان دهاقان و ساکن شهرستان شهرضا از استان اصفهان هستم».

چه شد که از رشته حقوق به دانشگاه فرهنگیان آمدید؟

«کاملاً با علاقه رشته حقوق را انتخاب کردم در حالی که سال ۱۳۹۵ هنگام انتخاب رشته، دانشگاه فرهنگیان به من پیشنهاد شد که آن زمان به هیچ عنوان به معلمی علاقه نداشتم اما در دانشگاه قم در رشته حقوق پذیرفته شدم و البته انصراف داده و در دانشگاه شهرضا همان رشته ثبت نام کردم. هنگام تحصیل در سال دوم رشته حقوق، به‌طور اتفاقی به تدریس علاقه‌مند شده و تصمیم گرفتم برای تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، مجدداً در کنکور شرکت کنم. به این ترتیب با علاقه و آینده‌نگری در سال ۱۳۹۷ وارد رشته آموزش ابتدایی شده و ادامه تحصیل دادم».

در حال حاضر به چه فعالیتی مشغول هستید؟

«به‌عنوان مدیر آموزش‌گار (مناطق روستایی شهرستان دهاقان) مشغول خدمت هستم و به صورت پاره‌وقت نیز در یک درمانگاه شبانه روزی کار می‌کنم. در جمعیت هلال احمر هم به‌عنوان نجات‌گر و در پایگاه‌های امدادی به صورت شیفتی فعالیت دارم و در کنار این فعالیت‌ها، در حال اخذ گواهینامه پایه دو هستم و مشتاقم گواهینامه پایه یک را هم بگیرم. چند روز از ایام هفته را هم در دفتر مشاوره و قتم را در اختیار عموم مردم قرار می‌دهم».



جناب آقای فرهنگیان گویا نام شما در بنیاد نخبگان به عنوان مخترع جوان ثبت شده؛ لطفا مخاطبان نشریه را در جریان مراحل کسب این افتخار قرار دهید.

«بله. بنده عضو بنیاد ملی نخبگان بودم و طرح‌های متعددی داشتم و البته توانستم فقط یک طرح را ثبت کنم و برای بقیه طرح‌ها متأسفانه حامی نداشتم و در حال حاضر هم ضمن ایده پردازی، طرح‌های متفاوتی در زمینه‌های هوا و فضا، پزشکی و پیراپزشکی، آموزش و ایده‌های نوین جهت ارائه دارم.»



در سال‌های نخستین آموزگاری چه تجربه‌هایی داشتید؟

«سال اول معلمی واقعا برای من سال عجیبی بود؛ چون من همه سختی‌ها را تجربه کردم و توانستم تجربیات متنوعی را کسب کنم. شیوه‌ی تدریسم کاملا نوین و مهارت محور بود. با توجه به این که برخی از دانش‌آموزان، اختلالات یادگیری داشتند با مرکز اختلالات همکاری کردیم. آن‌ها آشپزی و اسب سواری بلد بودند و مسابقات درون مدرسه‌ای برگزار می‌کردیم. کار نظافت با خودمان بود. خود دانش‌آموزان معلم بودند و آموزش می‌دادند و من به عنوان راهنما بودم. خدا را شکر توانستیم آن سال را با نمرات و تجربه خوب به پایان برسانیم؛ چراکه همان سال استعدادهای دانش‌آموزان خلاق، شناسایی و با آن‌ها کار شد. همان سال‌ها دانش‌آموزی داشتم که دچار بیماری سختی بود ولی با روحیه قوی بیماری را پشت سر گذاشت. دانش‌آموزی که از نعمت پدر محروم بود اما با انگیزه عالی به شدت پیشرفت کرد. دانش‌آموزی که ضعف نگارشی داشت ولی پایان سال توانست انشای جذابی را بنویسد. دانش‌آموزی از اتباع داشتم که خدا را شکر، شیعه شدند و... این‌ها بخشی از تجربیات سال اول کار من بود.»



رمز موفقیت شما در سال اول و معرفی به عنوان معلم برگزیده چه عاملی بوده؟

«مدیریت آموزش و پرورش منطقه، فعالیت دانش‌جو معلمان را زیر نظر داشتند و از ویژگی‌های شخصیتی و علمی آن‌ها اطلاع داشتند و جوان‌گرا بودند و کاملا به توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر جوان‌گرایی معتقد و به آن لبیک گفته بودند و خیلی از مدیران را از قشر جوان انتخاب کرده بودند و بنده هم سال اول به عنوان مدیر آموزگار معرفی شدم و این مسئولیت برای من خیلی سنگین بود ولی خدا را شکر به نحو احسن به پایان رسید. و به عنوان معلم نمونه آموزشگاهی و پژوهشگر برتر منطقه برگزیده شدم. در دوران دانشجویی، و معلمی توانستم با تألیف مقالات ISI علمی تخصصی، علمی پژوهشی، کنفرانسی دوازده مقاله در ژورنال‌های بین‌المللی ثبت کنم. در دوران کرونا روند تعلیم و تربیت از آموزش حضوری به آموزش مجازی تغییر پیدا کرد و مصمم شدم گامی در راه آموزش غیرحضوری بردارم؛ و توانستم با کمک اساتید بزرگوار کتابی با عنوان روش‌های تدریس در فضای مجازی تألیف کنم.»

چه توصیه‌ای برای همکاران و قشر جوان دارید؟

«خودم را در جایگاهی نمی‌بینم که برای همکارانم توصیه‌ایی داشته باشم اما به عنوان یک هم‌نوع عرض می‌کنم که تا می‌توانید با عشق معلمی کنید و هیچ کدام از مسائل و مشکلات جامعه و حتی مشکلات شخصی خودتان را وارد کلاس و درس نکنید. از قبول مسئولیت نهراسید، اهل پژوهش و تحقیق باشید و فقط به خدا توکل کنید.»

و حرف آخر...

«کلام آخر این که زندگی بر سه ستون استوار است: ستون اول فراموش کردن گذشته، ستون دوم غنیمت شمردن حال که خیلی مهم است، ستون سوم امیدوار بودن به آینده...»



# کودک و بازی

فاطمه طاهری بخش



برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

## روش

معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که تصور کنند که یک بوته گل هستند، سپس از آن‌ها سؤالاتی در جهت شناخت بیشتر می‌پرسد و در نهایت نیز ضمن اینکه به دانش‌آموزان گفته می‌شود قرار نیست بهترین نقاشی خود را بکشند به آن‌ها گفته می‌شود که بوته گل خود را نقاشی کنند.

سؤالات معلم می‌تواند: ۱. چه نوع گلی هستی؟ ۲. چه رنگی هستی؟ ۳. چه کسی از تو مراقبت می‌کند؟ ۴. در کجا هستی؟ ۵. بلندی یا کوتاه؟ ۶. ریشه داری؟ ۷. ریشه هایت کجاست؟

نمونه دوم: مرا حدس بزن! بازه سنی: ۷ تا ۱۲ سال (به‌ویژه دوره اول ابتدایی جهت تقویت ساختار متنی) امکانات: کلاس درس

## اهمیت

۱. تقویت ساختار فکری دانش‌آموزان؛
۲. تقویت قصه‌گویی و داستان‌سرایی کودکان؛
۳. شناخت استعداد در زمینه نگارش؛
۴. افزایش تمرکز و دایره لغات.

## روش

معلم کارتهایی شامل کلمات مختلف و جدید (آشنا برای کودک) را داخل جعبه‌ای می‌گذارد، دانش‌آموزان می‌بایست هر کدام کارتی بردارند و با آن داستانی کوتاه بنویسند (یک پاراگراف) سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که داستان خود را بیان کنند و دانش‌آموزان دیگر باید حدس بزنند که با توجه به ماهیت داستان کلمه‌ای که روی کارت قرار داشته چه چیزی بوده‌است.

## منابع

۱. احمدوند، محمدعلی. روانشناسی بازی، انتشارات پیام نور، چاپ پنجم، ۱۳۹۲
۲. بابایی، انسیه. بازی درمانی، انتشارات پیام نور، چاپ دوم، ۱۳۹۶
۳. استیونز، جان. قسمتی از مقاله آگاهی، کاوش، آزمایش، تجربه، مترجم جوادی، فاطمه. ۱۹۷۱

اگر کودک نقاشی را:

\_ سمت راست کشید، نگاه کودک به آینده است.

\_ سمت چپ کشید، نگاه کودک به گذشته است.

\_ بالای کاغذ کشید، نشانگر آرمان‌گرایی است.

\_ پایین کاغذ کشید نشانه افسرده و روان‌آزردگی است.

در میان انواع بازی‌ها، دسته بازی‌های روانکاوشی\_آموزشی به علت دستیابی به طرحواره‌های پیشین کودک از اهمیت بالایی برخوردار است. در ادامه دو نمونه بازی برای معلمان و همچنین والدین جهت رشد و شناخت کودک دوره دبستان بیان می‌شود:

نمونه اول: بوته گل

بازه سنی: ۷ تا ۱۴ سال (دوره اول و دوم دبستان)

امکانات: کلاس درس، حیاط مدرسه همراه با موسیقی بی‌کلام

## اهمیت

۱. تقویت قوه تخیل کودک؛
۲. آموزش محترم بودن هر نظر و آرزو؛
۳. تقویت اعتمادبه‌نفس و بیان نظرات بدون ترس؛
۴. تقویت خودتیینی؛
۵. شناخت روحیات و مشکلات فکری دانش‌آموزان.

کودک در فرایند رشد روانی، اجتماعی و جسمی از بازی همچون ابزاری طبیعی و غیر مستقیم برای بیان احساسات و نیازهای درونی خود استفاده می‌کند؛ همچنین این فرصت را می‌یابد تا احساسات و هیجان‌های ناخوشایند خود را از طریق بازی بروز دهد در این موقعیت معلم می‌تواند به جنبه‌های تشخیصی و درمانی و نیز شناخت احساسات او توجه کرده و با او همراه شود. بازی‌ها از دیدگاه پیازه به چهار دسته تقسیم می‌شوند: حرکتی، نمادین، ساختارمند و قاعده‌مند. نقاشی کردن برای کودکان نوعی بازی تلقی می‌شود که به‌عنوان بخشی از زندگی، تخیلات و تصاویر بیرونی و درونی آن‌ها را می‌توان درک کرده و تجزیه و تحلیل کنیم؛ (tree, house, person) مخفف THP به

عنوان مثال:

درخت: نماد پدر، رشد و نمو سرزندگی  
خانه: نماد مادر و نوازشگری  
آدم: نماد شخص  
(Draw a family)

است به‌عنوان نقاشی خانواده مطرح می‌شود که می‌توان به نزدیکی مخفف آن DAF یا دوری رابطه، ارزنده‌سازی و نارزنده‌سازی اعضای خانواده پی برد.





برای شنیدن فایل صوتی، اسکن یا کلیک کنید.

# به نام آب

رویا فریدونی



یا حسین بن علی!  
مناجات کن؛ تا به نیت نیایش در قنوت  
چشم‌هایت فریاد «ربّنا» سر دهی.  
ایّها العطش!  
احرام ببند؛ تا در طواف روح، سعی در  
زمزم ایمان پیش گیرم.  
مرد مردستان نینوا!  
لبیک گوی؛ که در تلبیه نفست، جرعه  
جرعه تلقین گوی روح باشم و از قطره  
قطره ی خونت، شهادت وام گیرم.  
یا قتیل العبرات!  
حجاب کن؛ تا در بین‌الحرمین آن نگاه  
ماتم بارت و در ضریح نور گنبدت روحم را  
پیوند زنم که شاید لایق دیدار جانان شوم.  
یا سفینه النجات!  
زائر شو؛ تا در خمپاره کشتی و ساحل  
نجات، نفس نفس خاکِ خون بر آسمانِ  
ایثار، نثار کنم.  
ایّها الخازن الکتاب المسطور!  
راهی شو؛ آهنگ سفر ببرند که خیمه  
نشینان هنوز به انتظار رسیدنت کشکول  
تشنگی در دست گرفته اند.  
گوش کن ابوالاحرار!  
نینوا عرصه عشق‌بازی توست و گام‌هایت  
مقصد این مسلخ را عاشقانه خواهد رقصید.  
آی موضع سّرالله!  
تاریخ تنها لایق نام تو بود؛ غریبانه سر بر  
خون سجودی و عقیق سرخت، رنگ انتقام  
خواهد گرفت.  
یا وترالله!  
سربلند باش و سرافراز بمان؛ تمدن به  
شکوه نامت همیشه تعظیم خواهد کرد.

# قتیل العبرات





و طلوعی پسِ این تاریکیست...

پل ارتباطی جهت ارسال انتقادات و پیشنهادات

[tabesh.mag1@gmail.com](mailto:tabesh.mag1@gmail.com)

📧 | [tabesh\\_mag](#)